

Deterrence Strategies of the Islamic Revolutionary Guard Corps in Facing New Security Threats and Managing Terrorist Crimes in the Context of Contemporary Warfare

Akbar pourat ¹ | esmaeil abdollahi ² | maryam safaer³

¹ Department of Criminal Law and Criminology, Bu.C., Islamic Azad University, Bushehr, Iran

² Department of Criminal Law and Criminology, Bu.C., Islamic Azad University, Bushehr, Iran

³ Department of Criminal Law and Criminology, Bu.C., Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Abstract

With the expansion of new forms of threat, including transnational terrorism, hybrid warfare, cyber attacks, and cognitive operations, the national security of the Islamic Republic of Iran faces complex and multi-layered challenges. In this context, the Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC), as a multi-dimensional military, intelligence, cultural, and popular institution, plays a central role in maintaining internal security, managing terrorist crises, and implementing intelligent deterrence against new threats. The present research aims to analyze the deterrence strategies of the IRGC in facing new security threats and managing terrorist crimes within the context of contemporary warfare. The research method is descriptive-analytical and survey-based, with data collected through library studies, interviews with security experts, and Delphi method questionnaire analysis. Findings indicate that the IRGC's deterrence is based on a combination of three main components: hard deterrence through the enhancement of military, intelligence, and border capabilities; soft deterrence through the production of a resistance discourse, enhancing public awareness (basirat), and fostering popular synergy in security; and hybrid/technological deterrence utilizing cyber capabilities, artificial intelligence, and cognitive warfare to control and prevent terrorist crimes.

Keywords: Islamic Revolutionary Guard Corps, Smart Deterrence ,New Security Threats, National Security ,Contemporary Battles

راهبردهای بازدارندگی سپاه در مواجهه با تهدیدات نوین امنیتی و مدیریت جرایم تروریستی در بستر نبردهای معاصر

اکبر پورات^۱ | اسماعیل عبدالمهی^۲ | مریم صفایی^۳

۱۲

سال هفتم

بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۰/۰۸

صص: ۲۶۴-۲۳۹

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷

DOR: 20.1001.1.25386328.1404.7.12.9.3

چکیده

با گسترش اشکال جدید تهدید، از جمله تروریسم فرامرزی، جنگ‌های ترکیبی، حملات سایبری و عملیات شناختی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های پیچیده و چندلایه‌ای مواجه شده است. در این میان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهادی چندبعدی نظامی، اطلاعاتی، فرهنگی و مردمی، نقش محوری در حفظ امنیت داخلی، مدیریت بحران‌های تروریستی و بازدارندگی هوشمند در برابر تهدیدات نوین ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف واکاوی راهبردهای بازدارندگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات نوین امنیتی و مدیریت جرایم تروریستی در بستر نبردهای معاصر انجام شده است. روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و پیمایشی انجام شده و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه با خبرگان امنیتی و تحلیل پرسشنامه‌ای به شیوه دلفی استخراج گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بازدارندگی سپاه مبتنی بر ترکیب سه مؤلفه اصلی بازدارندگی سخت از طریق ارتقای توان نظامی، اطلاعاتی و مرزی؛ بازدارندگی نرم از راه تولید گفتمان مقاومت، ارتقای بصیرت عمومی و هم‌افزایی مردمی در امنیت؛ بازدارندگی ترکیبی و فناورانه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سایبری، هوش مصنوعی و جنگ شناختی برای کنترل و پیشگیری از جرایم تروریستی است.

کلیدواژه‌ها: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بازدارندگی هوشمند، تهدیدات نوین امنیتی، جرایم تروریستی، امنیت ملی، نبردهای معاصر

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Email: e.abdollahi@iaubushehr.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، ساختار امنیت بین‌الملل دچار تحولی بنیادین شده و از الگوی کلاسیک جنگ‌های متعارف، به سوی نبردهای ترکیبی، چندلایه و فناورمحور تغییر یافته است. امروزه تهدیدات نوین امنیتی، شامل تروریسم فراملی، جنگ شناختی، حملات سایبری، عملیات رسانه‌ای و جنگ‌های نیابتی، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و امنیت دولت‌ها را به‌صورت چندبعدی تهدید می‌کنند. در چنین شرایطی، مفهوم امنیت از «امنیت سخت» به «امنیت هوشمند» ارتقا یافته و بازدارندگی چندسطحی جایگزین بازدارندگی صرفاً نظامی شده است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرتی تأثیرگذار در غرب آسیا، طی سال‌های گذشته در معرض ترکیبی از تهدیدات نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و تروریستی قرار گرفته و ناگزیر بوده است تا برای حفظ ثبات ملی و منطقه‌ای، الگوی بومی بازدارندگی خود را طراحی و نهادینه سازد.

در این میان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان نهاد راهبردی انقلاب اسلامی، محور اصلی طراحی، اجرا و پشتیبانی از راهبردهای بازدارندگی و امنیت ملی بوده است. سپاه از بدو تأسیس، مأموریت خود را حفظ انقلاب و پاسداری از امنیت کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی قرار داد و در دهه‌های اخیر، با تغییر ماهیت تهدیدات، نقش خود را از یک نیروی صرفاً نظامی به یک سازمان چندبعدی - اطلاعاتی، فرهنگی و فناورانه ارتقا داده است. حضور مؤثر سپاه در مقابله با گروهک‌های تروریستی در مناطق مرزی غرب و جنوب شرق کشور، انهدام شبکه‌های وابسته به داعش، توسعه توان موشکی و پهپادی، و طراحی گفتمان مقاومت منطقه‌ای، نمونه‌هایی از نقش چندوجهی سپاه در ایجاد امنیت پایدار و بازدارندگی فعال است.

تحولات اخیر در عرصه امنیت بین‌المللی نشان می‌دهد که تروریسم و جنگ ترکیبی به‌عنوان ابزار اصلی قدرت‌های سلطه‌گر برای تضعیف کشورهای مستقل به‌ویژه ایران به کار گرفته می‌شود. این تهدیدات از یک‌سو با عملیات روانی، شایعه‌سازی، القای ناکارآمدی و نفوذ رسانه‌ای، ذهن جامعه را هدف قرار می‌دهد و از سوی دیگر با ایجاد ناامنی‌های مرزی، ترور شخصیت‌ها، حملات سایبری و خرابکاری صنعتی، در صدد فرسایش قدرت ملی است. در چنین شرایطی، سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی به عنوان بازیگر محوری جبهه مقاومت، با اتخاذ راهبرد بازدارندگی ترکیبی و هوشمند توانسته است ضمن حفظ امنیت داخلی، از انتقال تهدیدات به درون مرزها جلوگیری کند. از منظر علمی، بازدارندگی مفهومی است که بر پایه ایجاد هزینه برای دشمن و کاهش انگیزه اقدام خصمانه استوار است. بازدارندگی مؤثر نه تنها به توان نظامی متکی است، بلکه به شبکه‌ای از عناصر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اطلاعاتی و فناورانه نیز وابسته است. سپاه پاسداران با تلفیق این عناصر، توانسته است مدلی از بازدارندگی بومی را شکل دهد که از سطح نظامی فراتر رفته و در قالب بازدارندگی اجتماعی، فرهنگی و سایبری نیز نمود یافته است. حضور مردمی، ارتباط نزدیک با اقشار جامعه، و گفت‌وگو با مقاومت اسلامی از مهم‌ترین ظرفیت‌های نرم سپاه در این مسیر به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، جرایم تروریستی در بستر نبردهای معاصر، به‌ویژه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، ساختار پیچیده‌تری یافته‌اند. تروریسم دیگر صرفاً به معنای عملیات فیزیکی نیست، بلکه در فضای مجازی، رسانه‌ای و اقتصادی نیز گسترش یافته است. گروه‌های تروریستی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، سامانه‌های رمزگذاری‌شده و ابزارهای دیجیتال، قادرند عملیات خود را طراحی، سازماندهی و هدایت کنند. در این میان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و نظارتی، ایجاد یگان‌های تخصصی سایبری و تعامل میان‌بخشی با سایر دستگاه‌های امنیتی، موفق شده است تا ضمن مدیریت هوشمند جرایم تروریستی، بسیاری از تهدیدات را در مرحله پیش از وقوع خنثی سازد.

با وجود این دستاوردها، چالش‌های متعددی در برابر نظام امنیتی کشور وجود دارد؛ از جمله پیچیدگی روزافزون تهدیدات ترکیبی، وابستگی گروه‌های تروریستی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، و تلاش دشمن برای نفوذ در لایه‌های اجتماعی و رسانه‌ای. از این رو، بازنگری در ساختار راهبردی سپاه و تحلیل علمی از مؤلفه‌های بازدارندگی آن در مواجهه با تهدیدات نوین، ضرورتی انکارناپذیر است. بررسی تجربیات میدانی سپاه در مقابله با تروریسم داخلی و منطقه‌ای، تحلیل اقدامات پیشگیرانه و فناورانه، و شناخت چگونگی مدیریت بحران‌های تروریستی در بستر نبردهای معاصر، می‌تواند به طراحی الگویی علمی و بومی برای بازدارندگی فعال در جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که راهبردهای بازدارندگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات نوین امنیتی و جرایم تروریستی چیست و چگونه این راهبردها توانسته‌اند امنیت عمومی و ملی را در شرایط پیچیده جنگ‌های معاصر حفظ نمایند؟ این مسئله نه تنها جنبه نظری و تحلیلی دارد، بلکه در سطح کاربردی، به سیاست‌گذاری امنیت ملی، طراحی الگوهای دفاعی آینده‌نگر و ارتقای توان مدیریتی در برابر تهدیدات فراملی منجر می‌شود. بنابراین، ضرورت انجام این پژوهش از دو جنبه قابل توجه است: نخست، از منظر نظری، به منظور توسعه ادبیات علمی بازدارندگی در حوزه امنیت اسلامی و مقاومت بومی؛ و دوم، از منظر کاربردی، برای ارائه الگوی عملیاتی سپاه در مقابله با تهدیدات نوین، به ویژه تروریسم فناورانه و جنگ شناختی. مطالعه تطبیقی تجارب سپاه در دهه‌های اخیر و تحلیل علمی نتایج آن، می‌تواند بنیانی مستحکم برای تقویت امنیت ملی و طراحی راهبردهای آینده‌پژوهانه جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد.

مبانی نظری

تعریف مفاهیم

تروریسم: در مبحث مفهوم شناسی تروریسم به مفهوم لغوی و اصطلاحی تروریسم، تعریف تروریسم، مفهوم اقدامات بازدارنده، مفهوم امنیت، مفهوم جرایم تروریستی، مفهوم مدیریت جرم و مفهوم مدیریت پیشگیری از جرم پرداخته می‌شود.

واژه ترور از واژه لاتین «Terror» به معنای «عامل اضطراب» گرفته شده است. ترور در لغت به «ترساندن» و تروریسم به «ارعاب و تهدید»، «ایجاد ترس و وحشت در مردم» و تروریست (Terrorist) به «طرفدار ارعاب و تهدید و حکومت زور»، معنا شده است دانشنامه «لاروس» نیز این واژه را به معنای بیرحمی، قساوت و ترس ترجمه می‌نماید. همچنین دانشنامه «بریتانیکا» تروریسم را به «کاربرد سیستماتیک ارعاب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، انسان‌ها و افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی» و فرهنگ بزرگ «لیتره» این واژه را برابر «برقراری سلطه ارعاب و وحشت» دانسته است. (نور خامه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۴۴)

ایان مک لین^۱ گردآورنده «فرهنگ لغت علوم سیاسی آکسفورد» نیز در بخش تعریف تروریسم اثر خود آورده است: «تروریسم اصطلاحی است بر سر آن توافقی میان حکومت‌ها یا تحلیلگران دانشگاهی وجود ندارد، اما تقریباً به شیوه‌های گوناگون به تعبیری منفی به کار می‌رود تا غالباً اقدامات گروهی فرادولتی خود ساخته با انگیزه سیاسی علیه جان افراد را توصیف کند. اما اگر این اقدامات بخاطر یک آرمان گسترده مقبول نظیر اقدامات ماکویز (Maquis) برای بی‌ثبات سازی حکومت ویشی فرانسه صورت بگیرد، از کاربرد اصطلاح «تروریسم» معمولاً اجتناب شده و اصطلاح دوستانه تری جانشین آن می‌شود. کوتاه سخن اینکه تروریسم مورد نظر یک فرد از نظر یک فرد دیگر، جنگنده راه آزادی است.» مک لین در ادامه می‌افزاید: «اما تروریسم به عنوان یک اصطلاح مذموم گاهی در رابطه با کردار حکومت‌ها به کار می‌رود تا بازیگران فرودولتی، برای نمونه اصطلاح ترور دولتی به تکرار در مورد اقدامات گروه‌های رسمی نظیر گشتاپو، کا.گ.ب. استیسی^۲ آلمان شرقی و نظایر آن علیه مخالفان یا اقلیت‌های قومی هموطن خود آنها به کار می‌رود.»

در تعریف دیگر، تروریسم به مکتبی گفته می‌شود که اساس روش تحمیل عقاید به دیگران را صرفاً با زور آزمایی، ترور، جنگ، اعمال خشونت‌آمیز، رعب و وحشت، آشوب‌آفرینی، عملیات‌های چریکی، کشتار جمعی، نسل‌کشی، شکنجه و کودتا می‌داند. به فرد، گروه یا دولتی که مکتب تروریسم را پذیرفته باشد و آن را جهت رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش به مرحله اعمال رسانده باشد، تروریست گفته می‌شود. تروریسم بعنوان عامل ترس، تهدیدآور و اضطراب‌معی شده است. تروریسم یعنی کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، انسان‌ها و افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است. مهم‌ترین تدابیر در مقابله با تروریسم شناسایی عوامل بوجود آورنده آن و اقدام در جهت خنثی‌سازی عملیات آنهاست. (عبداللهی، ۱۳۹۶: ۴۲)

1- Iain Mclean

2- Stasi

تعریف پال پیلار: «خشونت از پیش طراحی شده، با جهت‌گیری سیاسی بر ضد اهداف غیر نظامی از سوی گروه‌های خرده ملی و عوامل مخفی که معمولاً برای تأثیر گذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شود».

تعاریفی دیگر از تروریسم عبارت است از:

- الگوی نظام یافته‌ای از رفتار خشونت آمیز که به نوعی طراحی شده است تا جمعیتی تهدید شوند و بدین ترتیب سیاست‌های دولت خاصی تحت تأثیر قرار گیرد. (طیب، ۱۳۹۷: ۲۸)
- عمل نهادینه ولی نامعمول که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی خاص انجام می‌گیرد و همواره با کاربرد تهدید یا خشونت همراه است. (بیلیس، ۱۳۹۴: ۳۸)
- استفاده از زور، خشونت یا تهدید به منظور کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارباب و قوای قهریه.

انگیزه سیاسی داشتن تروریسم و اقدامات تروریستی نیز قابل مناقشه است. زیرا می‌توان تصور نمود که اقدامات تروریستی با انگیزه‌های فرقه‌ای، مذهبی و یا نژادی انجام شود و در آن هیچ گونه انگیزه سیاسی نیز وجود نداشته باشد. با این وجود می‌توان پذیرفت که تمامی اقدامات تروریستی در چارچوب مناقشه‌های سیاسی قابل تبیین هستند. به بیان دیگر اقدامات تروریستی چنانچه انگیزه‌های سیاسی نیز پشت سر آن نباشد چنانچه در یک فرآیند، سیاسی شود، اقدام تروریستی است. (تاجیک، ۱۳۹۸: ۲۸)

گرچه اخیراً تروریسم به مثابه یک پدیده اجتماعی - چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی - رشد چشمگیری نموده ولی هنوز یک تعریف شاخص و قابل قبول که مورد توافق همه حقوقدانان و اندیشمندان باشد، وجود ندارد و هرکس بر اساس بینش و ادراک دریافت خود از این مفهوم، آن را همانگونه که درک می‌کند، تعریف می‌کند. به عبارتی تروریسم دارای صفات و مشخصات متعددی است و نمی‌توان یک تعریف دقیق و مشخصی از آن ارائه داد و بدین سبب است که جامعه جهانی تا بحال نتوانسته تعریفی دقیق از تروریسم که متفقاً مورد قبول اندیشمندان و سیاستمداران باشد، ارائه دهد. از این رو در تفکرات برخی‌ها، یک فرد تروریسم و همان فرد در تفکرات دیگران می‌تواند یک مبارز یا انقلابی و یا یک خرابکار و جدایی طلب معرفی می‌شود. به هر روی تعاریف زیادی از تروریسم اعلام شده که ما در اینجا تعدادی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

برخی از افراد عامل ایجاد وحشت در بین مردم برای تحت فشار قرار دادن حکومت را تروریسم می‌نامند. در تعریف دیگر آمده است: «هر نوع توسل و استفاده از ترور یا خشونت و اقدام‌های مجرمانه‌ای که از سوی یک گروه سازمان یافته علیه افراد یا اموال آن‌ها، یا تهدید غیرقانونی به استفاده از این روش‌ها با هدف مرعوب کردن دولت‌ها یا ملت‌ها که شدیداً موجب سلب امنیت و آسایش عمومی است، تروریسم تلقی می‌شود». (کریمی پاشاکی، ۱۳۹۵: ۱۲۵)

در دین اسلام علیه دشمنان ستمگر و یا اشغالگر که مسلمانان را در معرض اهانت و تحقیر و به دین و اعتقادات مسلمانان تعرض کرده و امنیت و کسب و کارشان و حتی زندگی‌شان را تهدید نموده، بکارگیری ابزار و وسایل خشونت آمیز مجاز می‌باشد. در میثاق‌های بین‌المللی نیز مبارزه خشونت آمیز علیه متجاوزین و اشغالگران سرزمین‌های دیگر عملی قانونی محسوب گردیده و جرم تروریستی بشمار نمی‌آید. (واعظی، ۱۳۹۵: ۲۸)

کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۸۴ در تعریف تروریسم عنوان نمودند که تروریسم به نوعی اعمال خشونت آمیز اطلاق می‌گردد که نیروهای استعمارگر، نژاد پرست و یا نظام‌هایی که علیه ملت‌های در حال مبارزه برای کسب آزادی و استقلال، بکار می‌گیرند. در تاریخ ۱۲ اوت ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تفاوت بین تروریست‌ها و مبارزین آزادی بخش را اینگونه اظهار نمود که مبارزات رهایی بخش دارای هدفی مشروع و اقدامات آنها از طریق روش‌های تروریستی نبوده و این سازمان‌ها مورد شناسایی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته‌اند. (عبداله خانی، ۱۳۹۳: ۳۸)

اقدامات بازدارنده: اقداماتی در جهت پیشگیری و تقابل با عوامل تروریستی در جهت حفظ امنیت می‌باشد. با توجه به سطح وسیع آسیب‌هایی که حملات تروریستی به جوامع وارد کرده‌اند، تلاش‌های بسیاری برای مهار این پدیده مجرمانه صورت گرفته است و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای راهکارهای متفاوتی را به امید مبارزه با تروریسم در پیش گرفته‌اند. در اجرای روش‌های پیشگیری از تروریسم به جای موضع انفعالی در برابر فعالیت‌های تروریستی با تصویب اقدامات فعال نسبت به کشف و خنثی سازی فعالیت‌های تروریستی اقدام می‌شود. با این توضیح که برای مقابله در برابر تروریسم منتظر وقوع عملیات مجرمانه نمی‌مانیم و سعی ما بر ریشه کن کردن بنیادی این عملیات است. اسناد بین‌المللی مرتبط با تروریسم در سه حوزه پیشگیری از طریق

شناسایی و جمع آوری اطلاعات تشکیلات تروریستی، پیشگیری فیزیکی و پیشگیری از طریق انسداد شریان های مالی، اقدامات پیشگیرانه ای را متذکر گردیده اند و از دولت های عضو خواسته اند با اتخاذ این تدابیر در قوانین داخلی خود از وقوع حوادث تروریستی پیشگیری کنند.

مفهوم امنیت: کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می باشد. واژه «امن» یعنی بی گزند و بی آسیب و دارای آرامش. امنیت هم یعنی بی گزند و بی آسیبی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. (نصری مشکینی، ۱۳۹۲: ۵۴)

در تعریف امنیت «Security» می توان گفت: در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین المللی به کار برده می شود. (آشوری، ۱۳۹۵: ۸۴) حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. امنیت از ضروری ترین نیازهای یک جامعه است و به پنج بند زیر تقسیم می گردد.

امنیت اجتماعی: حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاه های فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد. در نظام حقوقی جدید، فرض بر این است که قانون، با تعریف و حدگذاری آزادی ها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پافراتر گذشته اند و امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی می کند. (میر عرب، ۱۳۹۷: ۲۳)

امنیت ملی: حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد. امروزه، کمابیش در همه کشورها نوعی پلیس سیاسی یا امنیتی وجود دارد که مقصود از آن بنا بر فرض، جلوگیری از نفوذ عوامل محرک و ویرانگر و جاسوس به داخل کشور و سرکوبی کسانی که از راه های غیرقانونی تهدیدکننده ی نظم سیاسی موجود به شمار می آیند. هرچه نظامی تمامیت خواه تر باشد قدرت پلیس سیاسی و شدت و خشونت آن در آن نظام بیشتر است. این گونه نظام های سیاسی که مجالی برای مخالفت علنی و قانونی نمی گذارند، مخالفان یا دشمنان خود را همواره به نام «دشمنان امنیت ملی» یا نام های دیگر سرکوب می کنند. (میر عرب، همان: ۲۷)

امنیت منطقه‌ای: هنگامی که یک کشور اطراف کشور دیگری را مورد حمله و تهاجم قرار می‌دهد در این صورت امنیت منطقه‌ای آن کشور به هم خورده است.

امنیت بین‌المللی: حالتی است که در آن قدرت‌ها در حالت تعادل و بدون دست‌یازی به قلمرو یکدیگر به سر برند و وضع موجود در خطر نیفتد. هرگاه یکی از قدرت‌ها از محدوده خود پافراتر گذارد، از لحاظ قدرت (و یا قدرت‌های) مخالف، امنیت بین‌المللی. (نویدینا، ۱۳۹۶: ۳۹)

مفهوم امنیت عمومی جامعه: امنیت عمومی جامعه به شرایط عاری از خطر و تهدید برای عموم مردم جامعه اطلاق می‌شود. در واقع امنیت عمومی وضعیتی است که هیچ گونه تهدید و خطری متوجه مال و جان، هستی و حیات افراد نباشد. به عبارت دیگر، یک محیط عاری از خطر، دارای امنیت عمومی است و هر محیط و جامعه‌ای که انحراف و آسیبی، جان و مال و هستی افراد را مورد تهدید و تعرض قرار دهد، فاقد امنیت عمومی است. این سطح ناظر بر تولید شرایطی است که در آن منافع، مصالح و حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌شود. در بعضی از کشورها «امنیت عمومی» را به معنای ایمنی و حمایت عموم افراد جامعه یا آزادی‌های آنها یا تأمین امنیت اجتماع در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی دانسته که تحقق آن منوط به وجود مقرراتی برای تضمین این ایمنی، صلح عمومی، نظم و انضباط اجتماعی، احترام به عدالت حقوقی، تصمیمات یا دستورهای مشروع مقامات عمومی در داخل هر کشور است. (نویدینا، ۱۳۹۵: ۴۲)

تهدید: بیان نیت شخصی است که قصد دارد به دیگری زیان یا آسیب برساند. تهدید از نظر حقوقی در ارتباط با اجبار یا اکراه می‌باشد. همچنین تهدید در رفتار حیوانات زیاد دیده می‌شود. به خصوص به شکل آیینی و به منظور پرهیز از خشونت فیزیکی که هر لحظه ممکن است منجر به جراحت یا کشته شدن هر یک از طرفین درگیر شود. از لحاظ قانونی برخی از انواع معمول تهدیدها که ممنوع است شامل تهدیدهایی می‌شود که به منظور بدست آوردن امتیاز مالی اعمال می‌شود یا برای مجبور کردن دیگران به انجام کاری برخلاف میل شان، اعمال می‌شود. در ایالات متحده تهدید به استفاده از سلاح مرگبار یا تهدید به آسیب رساندن به دیگران یا از بین بردن دارایی‌های دیگران یا تهدید به آبروریزی جرم تلقی می‌شود. (نورخامه‌ای، پیشین: ۷۲)

امنیت مشترک و امنیتی شدن: در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و

هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. امنیتی شدن؛ حفاظت و حراست از منافع فردی، ملی و منطقه‌ای در برابر متجاوزان، یا تدابیر و استراتژی‌ها برای مقابله با تهدایت داخلی و خارجی در یک کشور است. (نویدنیا، پیشین: ۴۸)

جرایم تروریستی: جرایم تروریستی جرایمی هستند که با هدف ایجاد رعب و وحشت و با انگیزه‌های ملی، مذهبی یا سیاسی در برابر جمعیت یا گروهی از مردم انجام شده باشد. به عنوان مثال برای اینکه یک جرم تروریستی تلقی شود، این عمل بایستی بتواند آسیب جدی به یک کشور وارد نموده و یا اینکه بتواند فشار روحی شدیدی بر جامعه وارد نماید. جرایم تروریستی از منظر حقوقی اعمال مجرمانه‌ای است که با انگیزه سیاسی برای ایجاد رعب و وحشت در میان عموم مردم یا گروهی خاص ارتکاب می‌یابد. این جرایم شامل فعالیت‌هایی مانند قتل، آدم‌ربایی، تخریب، و حملات مالی به تروریست‌ها می‌شود و با وجود فقدان یک سند واحد بین‌المللی، کنوانسیون‌های ضد تروریسم و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳، این مفهوم و مصادیق آن را تعریف و مبارزه با آن را الزامی ساخته‌اند.

مفهوم جرایم تروریستی شامل موارد زیر می‌باشد.

- ماهیت جرم: اعمالی که به موجب حقوق بین‌الملل جرم محسوب می‌شوند.
- هدف: ایجاد حالت رعب و وحشت در میان عامه مردم یا گروه‌های خاصی از اشخاص.
- انگیزه: انگیزه سیاسی که جرایم را از اعمال مجرمانه عادی متمایز می‌کند.
- برای انواع جرایم تروریستی، گرچه سند واحدی وجود ندارد، اما کنوانسیون‌های ضد تروریسم و قطعنامه‌ها به اشکال مختلف این جرایم اشاره کرده‌اند:
- جرایم علیه اشخاص: مانند قتل، تعرض، و آدم‌ربایی.
- جرایم علیه اموال و زیرساخت‌ها: مانند تخریب و خرابکاری.
- جرایم مرتبط با حمایت مالی: هرگونه ارائه خدمات مالی به تروریست‌ها ممنوع است و دولت‌ها موظف به جلوگیری از آن هستند.
- از نظر ابعاد حقوقی و بین‌المللی مربوط به جرایم تروریستی موارد زیر ضروری است:
- ضرورت هماهنگی: پس از حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر، مبارزه با تروریسم در حقوق بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای یافت و توجه به تدوین و اجرای مقررات بین‌المللی را افزایش داد.

— تعهدات دولتی: دولت‌ها موظفند ضمن محاکمه تروریست‌ها در دادگاه‌های داخلی خود، از ایجاد محیطی امن برای آن‌ها جلوگیری کرده و در جهت پیشگیری از جرایم تروریستی تلاش کنند.

— رویکرد امنیتی: در عمل، رویکرد «امنیت‌گرایی» گاه بر «قضامندی عادلانه» ترجیح داده می‌شود، که این خود چالش‌هایی را برای حقوق شهروندی متهمان جرایم تروریستی ایجاد می‌کند. **مفهوم بازدارندگی:** بازدارندگی (Deterrence) در علوم سیاسی و مطالعات امنیتی به معنای ایجاد ترس و هزینه برای دشمن بالقوه به گونه‌ای است که او از اقدام خصمانه صرف‌نظر کند. این مفهوم دارای ابعاد مختلف است. اول بازدارندگی سخت (Hard Deterrence) به مفهوم اتکا به قدرت نظامی، توان موشکی، عملیات اطلاعاتی و حضور میدانی برای بازداشتن دشمن می‌باشد. دوم بازدارندگی نرم (Soft Deterrence) به معنی بهره‌گیری از گفت‌وگو، مقاومت، مشروعیت مردمی و قدرت روانی تبلیغاتی برای جلوگیری از تهدیدات می‌باشد. سوم بازدارندگی ترکیبی (Hybrid Deterrence) به معنی ترکیب قدرت سخت و نرم برای ایجاد امنیت پایدار می‌باشد. در نظریه‌های روابط بین‌الملل، بازدارندگی بر پایه «افزایش هزینه اقدام خصمانه و کاهش احتمال موفقیت دشمن» تعریف می‌شود. از این منظر، سپاه پاسداران با تکیه بر توان موشکی و مردمی‌سازی امنیت، الگوی بازدارندگی ترکیبی را در ایران پیاده‌سازی کرده است.

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که در راستای موضوع مورد بررسی مشاهده شد، بیشتر آنها به جنبه‌های تروریسم و چگونگی مقابله با جریان‌های تروریستی متمرکز بوده است. یکی از مولفه‌های اساسی در این زمینه حفظ امنیت داخلی و بین‌المللی است. بنابراین، بررسی پیشینه تحقیق بیانگر این است که تاکنون تحقیقی در سطح پایان‌نامه و یا رساله در ارتباط با شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های بازدارندگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابله با تهدیدات نوین امنیتی و مدیریت جرایم تروریستی در بستر نبردهای معاصر، انجام نشده و خلاء تحقیقاتی در این زمینه وجود دارد. با این وصف، به برخی از تحقیقات مرتبط به شرح زیر اشاره می‌شود:

اسماعیل زاده (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان «پدیداری موج پنجم تروریسم در جهان» به این نتیجه رسیده است که، تروریسم نیمه دولتی موج جدید تروریسم است. موجی که کنترل بخش هایی از قلمرو یک دولت ضعیف را بر عهده دارد و حکومت خود را در آنجا حفظ می کند و نیز حملات تروریستی علیه کشورهای دیگر انجام می دهد.

شهبازی و بسامی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان «تروریسم دولتی در حقوق بین الملل؛ با نگاهی بر ترور سردار قاسم سلیمانی» به این نتیجه رسیده اند که تفاوت تروریسم دولتی و غیردولتی در اجرا کننده آن است. بدین معنا که اجراء کننده و طراح عملیات تروریستی غیردولتی، افراد، تشکل ها و احزاب اند، و معجری و طراح اعمال تروریستی دولتی، یک دولت یا چند دولت خاص هستند. اقدام نیروهای آمریکایی در هدف قرار دادن سردار سلیمانی در حیطه ماده ۵۱ منشور ملل متحد در قالب دفاع مشروع قرار نمی گیرد و فاقد وجاهت حقوقی بوده و خلاف اصول حقوق بین الملل و مصداق بارز تروریسم دولتی است.

دشتی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان «تروریسم دولتی علیه ایران و تأثیر آن بر امنیت خاورمیانه» به این نتیجه رسیده است که تروریسم و خلق وحشت در تمامی اشکال آن عملی شنیع و امری غیر قابل تحمل است و در کلیه جوامع خلاف ارزش های اخلاقی و انسانی شمرده می شود.

مس ترابی، (۱۴۰۰)، نابسندگی حقوق بین الملل در مواجهه با تروریسم، با تأکید بر عملیات تروریستی در ایران: نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که، در سازمان ملل متحد اصلاح دموکراتیک اساسی نه تک قطبی و نه دو محوری بلکه چندمحوری است و نیز در این سازمان، یک سیستم جامع و یکپارچه حقوق بین الملل بشر دوستانه وجود ندارد و ساختار تک قطبی نظم جهانی کنونی و تهدید تروریست علیه صلح و ثبات، خواه در سطح ملی یا بین المللی، نباید به عنوان عملی مقبول و مشروع پذیرفته شود.

معصومی و رضوی فرد، (۱۳۹۷) جایگاه پیشگیری غیر کیفری از تأمین مالی تروریسم در سیاست جنایی ایران: این مقاله نشان داد که راهکار سیاست جنایی تقنینی در جهت پیشگیری از این جرم، نظارت بر بانک ها و مؤسسه های مالی می باشد، ولی باعنایت به تغییر شیوه های تأمین مالی تروریسم، ایجاب می کند که موارد جدید نیز در این زمینه پیشنهاد و تصویب شوند.

مرادی و کاظمی (۱۳۹۶) امنیت جهانی، پلیس و پیشگیری از جرایم تروریستی: عواقب جبران ناپذیر این جرم لزوم تمهید و تمرکز اختیارات را بر امر پیشگیری از آن مورد بحث قرار گرفته است. در این تحقیق، نقش پلیس به عنوان متولی اصلی نظم و امنیت اجتماعی و ملی، در این راستا بسیار حائز اهمیت است.

غلامی و همکاران، (۱۳۹۶)، تروریسم و افراط گرایی در خاورمیانه: نتایج نشان داد که ظهور و گسترش داعش و افراط گرایی تروریسم در خاورمیانه و نحوه تقویت جریان داعش در سطوح ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی یک مساله اساسی برای تهدید امنیت کشورهاست.

میر محمد صادقی و قنبری بهرام آبادی، (۱۳۹۵)، نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی: در این مقاله نقش قابل توجه و غیرقابل انکار سیاست بر نظام عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی مورد مطالعه قرار گرفته است. مقامات سیاسی و حکومتی برخی کشورهای طلایه دار مبارزه با تروریسم، در تمامی مراحل (از جرم‌انگاری گرفته تا رسیدگی شکلی و ماهوی و صدور رأی و اجرای آن) مداخله نموده و دلیل آن را تأمین و بازگرداندن امنیت ازدست‌رفته توسط تروریست‌ها می‌دانند. اما تجارب تلخ به دست آمده، مؤید آن است که شیوه و راهی که برخی دولت‌ها و مقامات سیاسی برخی کشورها در راستای مبارزه با تروریسم اتخاذ نموده‌اند، اشتباه بوده و راه به جایی نخواهد برد. اصرار بر تداوم چنین رویکردی، تنها بر شدت و وخامت اوضاع می‌افزاید.

افتخاری و شبستانی، (۱۳۹۴)، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهایی که پدیده تروریسم با امنیت آن پیوند خورده و به شکل دوگانه‌ای از تروریسم آسیب دیده است؛ در عین حالی که از ابزارهای نظامی و تاکتیکی (زودبازده) برای مقابله با مظاهر تروریسم بهره گرفته است در صدد خشکاندن ریشه‌های تروریسم و مقابله با عوامل به وجود آورنده اقدامات تروریستی (دیربازده) بوده و برای مقابله با تروریسم سیاست‌های ویژه‌ای را اتخاذ کرده است و اقدامات متعددی را انجام داده است، و این امر نشان دهنده آن است که جمهوری اسلامی ایران در زمینه مقابله با تروریسم دارای راهبردی مشخص بوده است.

بهرامی، (۱۳۹۲)، نقش سپاه در مبارزه با ضد انقلاب: سپاه پاسداران از ابتدای تشکیل تاکنون مهم ترین نقش را در پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن ایفا نموده است. نقش غیرقابل جایگزین این نهاد انقلابی در صحنه های متعدد و متنوع بر هیچ کس پوشیده نیست. یکی از این صحنه های مهم، دفاع از انقلاب اسلامی در مقابل ضد انقلاب اعم از داخلی و خارجی است که در صدد بودند انقلاب و کشور را با انواع توطئه ها به نابودی بکشانند.

نوآوری در تحقیق حاضر که به صورت کامل هم از لحاظ قانون ماهوی و هم از نظر جرم شناختی به واکاوی و تحلیل اقدامات بازدارنده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در امنیت عمومی جامعه و مدیریت جرایم تروریستی در کشور پرداخته است دارای وجاهت علمی است و چنانچه در حدود متغیرهای اعلامی، تحقیق جدی و عمیق صورت گیرد، می تواند به غنای علمی کشور بیفزاید.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی تحلیلی و پیمایشی است. هدف اصلی آن، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های بازدارندگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابله با تهدیدات نوین امنیتی و مدیریت جرایم تروریستی در بستر نبردهای معاصر است. در بخش نظری، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای شامل کتب، مقالات علمی، اسناد رسمی و گزارش‌های امنیتی، مبانی نظری مرتبط با مفاهیم «بازدارندگی»، «تروریسم»، «امنیت ملی» و «جنگ‌های ترکیبی» بررسی و چارچوب مفهومی تحقیق تدوین گردید. سپس، با تکیه بر تحلیل اسنادی و داده‌های موجود از عملکرد سپاه در حوزه مقابله با تهدیدات، ابعاد نظری مدل بازدارندگی استخراج شد.

در بخش میدانی پژوهش، از رویکرد دلفی دومرحله‌ای به‌عنوان یکی از روش‌های معتبر در مطالعات سیاست‌گذاری و امنیتی استفاده شده است. در مرحله نخست، با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و فرماندهان دارای سابقه در حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی و راهبردی، مؤلفه‌های کلیدی بازدارندگی سپاه شناسایی شد. جامعه آماری شامل ۱۴ نفر از متخصصان امنیت ملی، اساتید دانشگاه‌های مرتبط، و مدیران ارشد نظامی و انتظامی بود که بر اساس نمونه‌گیری

هدفمند و اصل اشباع نظری انتخاب شدند. در مرحله دوم، یافته‌های کیفی اولیه به صورت پرسشنامه تدوین و در میان ۶۳ نفر از کارشناسان خبره در حوزه‌های دفاعی، اطلاعاتی و امنیتی توزیع گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های بسته با مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای و فرم‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. روایی صوری و محتوایی ابزارها از طریق نظرات خبرگان و اساتید راهنما تأیید شد و پایایی پرسشنامه‌ها با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب بررسی گردید که نتایج حاکی از قابلیت اطمینان بالای ابزارهای اندازه‌گیری بود. برای تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری مضمون‌محور و برای داده‌های کمی از آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی شامل تحلیل عاملی تأییدی، مدلیابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart-PLS و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

در نهایت، با ادغام یافته‌های کیفی و کمی، الگوی نهایی راهبردهای بازدارندگی سپاه در برابر تهدیدات نوین امنیتی و جرایم تروریستی استخراج و اعتبار آن از طریق اجماع نخبگان تأیید شد. بدین ترتیب، روش ترکیبی تحقیق امکان داد تا هم ابعاد مفهومی بازدارندگی سپاه از منظر نظری روشن شود و هم میزان تأثیر مؤلفه‌های عملیاتی در سطح میدانی سنجیده گردد. استفاده از روش دلفی دومرحله‌ای موجب شد نتایج تحقیق علاوه بر اتقان علمی، قابلیت کاربرد در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی و راهبردی کشور را نیز داشته باشد.

سؤالات پژوهش

- ۱- راهبردهای بازدارندگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات نوین امنیتی و جرایم تروریستی چیست؟
- ۲- چگونه این راهبردها توانسته‌اند امنیت عمومی و ملی را در شرایط پیچیده جنگ‌های معاصر حفظ نمایند؟

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بازدارندگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات نوین امنیتی و مدیریت جرایم تروریستی، بر اساس الگوی سه‌سطحی و چندوجهی استوار است که ابعاد سخت، نرم و فناورانه را در هم تنیده و نظامی پویا از بازدارندگی فعال و

هوشمند ایجاد کرده است. تحلیل داده‌ها در دو سطح کیفی و کمی آشکار ساخت که سپاه پاسداران در شرایط نوین تهدید، از ساختار سنتی دفاعی فراتر رفته و توانسته است مدلی بومی از امنیت پایدار را با محوریت مردم، فناوری و ایمان انقلابی طراحی و نهادینه کند.

بازدارندگی سخت: تقویت قدرت نظامی، اطلاعاتی و میدانی

در بخش نخست یافته‌ها، بعد «بازدارندگی سخت» مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌های پژوهش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تکیه بر توان نظامی و اطلاعاتی خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در خنثی‌سازی تهدیدات مستقیم و بالقوه تروریستی ایفا کرده است. این بازدارندگی در چهار محور اصلی قابل تحلیل است:

الف. توسعه توان رزمی و موشکی: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتقای توان موشکی و پهبادی سپاه به‌ویژه در حوزه‌های نقطه‌زن، دفاع هوایی و عملیات دقیق، نقش کلیدی در ایجاد بازدارندگی برای دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته است. این توان موجب شده تا دشمن هزینه اقدام نظامی یا خرابکاری علیه ایران را بسیار بالا ارزیابی کند و در نتیجه، رفتارهای تهدیدآمیز خود را تعدیل نماید.

ب. استقرار سامانه‌های اطلاعاتی و مراقبتی: داده‌های پژوهش بیانگر آن است که شبکه اطلاعات سپاه در همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی کشور، توانسته است بسیاری از هسته‌های تروریستی، گروه‌های نفوذی و تیم‌های خرابکار را پیش از اقدام عملی شناسایی و منهدم کند. استفاده از روش‌های نوین رصد اطلاعاتی، شنود ارتباطی، و پایش دیجیتال به‌ویژه در مناطق مرزی، سهم بسزایی در کشف توطئه‌های دشمنان داشته است.

ج. تقویت مرزبانی هوشمند و واکنش سریع: یکی از یافته‌های مهم تحقیق، تأثیر مستقیم اقدامات سپاه در غرب و جنوب شرق کشور بر کاهش محسوس جرایم تروریستی است. ایجاد پایگاه‌های دائمی در نقاط راهبردی مرزی، استفاده از پهبادهای گشتی و سامانه‌های هشدار زودهنگام، توانست امنیت مناطق آسیب‌پذیر را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

د. هماهنگی میان بخشی با سایر نیروهای مسلح: بر اساس تحلیل داده‌ها، سپاه پاسداران با همکاری ارتش، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات، سازوکاری منسجم برای مقابله با تهدیدات

ترکیبی طراحی کرده است. این هماهنگی، موجب افزایش سرعت واکنش عملیاتی در مواجهه با بحران‌ها و کاهش زمان مقابله با تهدیدات تروریستی شده است. در مجموع، بعد سخت‌بازدارندگی در سپاه موجب شده است که دشمنان، توان اقدام نظامی مستقیم را از دست بدهند و ناچار به تغییر شکل تهدیدات از سطح نظامی به سطح روانی و رسانه‌ای شوند.

بازدارندگی نرم: گفتمان مقاومت و مردمی‌سازی امنیت

تحلیل یافته‌ها نشان داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دهه اخیر، بازدارندگی را صرفاً در بُعد نظامی خلاصه نکرده، بلکه با توسعه گفتمان مقاومت، هویت‌سازی فرهنگی و تقویت مشارکت مردمی، امنیت را از سطح حاکمیتی به سطح اجتماعی و فرهنگی گسترش داده است. این بعد از بازدارندگی، تحت عنوان «بازدارندگی نرم» در تحقیق شناسایی شد و بر پایه سه مؤلفه اصلی استوار است:

الف. تولید گفتمان مقاومت و ایمان دفاعی: بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با فرماندهان و نخبگان امنیتی، سپاه پاسداران توانسته است با تکیه بر اصول مکتب انقلاب اسلامی، گفتمان مقاومت را به یک سرمایه اجتماعی و ایدئولوژیک تبدیل کند. این گفتمان موجب افزایش تاب‌آوری مردم در برابر فشارهای روانی، رسانه‌ای و تهدیدات خارجی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پیوند میان ایمان مذهبی و هویت ملی، ریشه بازدارندگی نرم را در جامعه تقویت کرده است.

ب. مردمی‌سازی امنیت و حضور اجتماعی: سپاه از طریق بسیج مستضعفین، توانسته است شبکه‌ای از امنیت مردمی در سراسر کشور ایجاد کند که به‌صورت داوطلبانه در برابر تهدیدات واکنش نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان داد که حضور بسیج در محلات، مساجد، و مناطق مرزی، نقش مؤثری در شناسایی تهدیدات و پیشگیری از حوادث تروریستی دارد. مردمی بودن امنیت، یکی از مؤثرترین ابزارهای بازدارنده است که هزینه هرگونه اقدام خرابکارانه را برای دشمن افزایش می‌دهد.

ج. مقابله با جنگ شناختی و رسانه‌ای: بخش قابل توجهی از تهدیدات معاصر از جنس عملیات روانی و شناختی است. تحلیل داده‌ها نشان داد که سپاه پاسداران با تشکیل قرارگاه‌های

جنگ نرم و یگان‌های فضای مجازی، در حوزه رسانه‌ای فعال شده و توانسته است از طریق تولید محتوا، روشنگری و مقابله با عملیات روانی دشمن، افکار عمومی را در برابر شایعه‌سازی و جنگ ادراکی مقاوم سازد.

یافته‌های آماری پژوهش نیز نشان داد که راهبردهای نرم سپاه به‌صورت مستقیم بر احساس امنیت عمومی و انسجام اجتماعی اثرگذار بوده و رابطه مثبت و معناداری بین گفتمان مقاومت و کاهش سطح ناامنی داخلی وجود دارد (ضریب همبستگی بالاتر از ۰,۷).

بازدارندگی فناورانه و ترکیبی: مواجهه با تهدیدات نوین و جنگ‌های هیبریدی

در ادامه، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با درک تغییر ماهیت تهدیدات، به سمت بازدارندگی فناورانه و ترکیبی (Hybrid Deterrence) حرکت کرده است. این سطح از بازدارندگی، تلفیقی از ابزارهای سخت و نرم بوده و به‌ویژه در مواجهه با جنگ‌های سایبری، شناختی و چندبعدی، نقشی تعیین‌کننده دارد.

الف. توسعه ساختار سایبری و اطلاعات دیجیتال: داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها نشان داد که سپاه در دهه اخیر با تشکیل یگان‌های تخصصی سایبری، موفق شده است حملات سایبری متعددی را علیه زیرساخت‌های حیاتی کشور شناسایی و خنثی کند. استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های امنیتی، رصد ارتباطات رمزگذاری‌شده و پیش‌بینی رفتار گروه‌های تروریستی از طریق الگوریتم‌های پیش‌بینانه، از اقدامات کلیدی در این حوزه است.

ب. بهره‌گیری از فناوری‌های نو در شناسایی تهدیدات: سپاه با به‌کارگیری فناوری‌های پهپادی، سامانه‌های الکترونیکی شنود، حسگرهای هوشمند و شبکه‌های ارتباطی امن، توانسته است شعاع کنترل و نظارت خود را در مرزها و مراکز حساس افزایش دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این فناوری‌ها نقش مؤثری در کاهش زمان شناسایی تهدید و افزایش دقت عملیات دارند.

ج. بازدارندگی شناختی و رسانه‌ای: تهدیدات شناختی در عصر حاضر، ذهن و ادراک جامعه را هدف قرار داده است. سپاه با درک این تهدید، در سطح رسانه و فضای مجازی اقدام به بازدارندگی شناختی کرده است؛ یعنی با ایجاد گفتمان مثبت، افشای دروغ‌پردازی‌های دشمن و

تقویت سواد رسانه‌ای در میان افشار جامعه، توانسته است دامنه تأثیر عملیات شناختی دشمن را محدود سازد.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که بعد فناورانه بازدارندگی، بالاترین وزن عاملی را در مدل نهایی پژوهش دارد ($\lambda = 0.82$) و بیشترین اثر را بر کاهش تهدیدات نوین امنیتی داشته است. این یافته تأکید می‌کند که بازدارندگی در عصر جدید بدون فناوری و داده‌محوری، فاقد کارایی است.

مدیریت جرایم تروریستی: از پیشگیری تا کنترل و بازسازی امنیت

بخش دیگر یافته‌های پژوهش به مدیریت جرایم تروریستی اختصاص دارد. تحلیل داده‌ها نشان داد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برابر جرایم تروریستی از الگوی سه‌مرحله‌ای استفاده می‌کند:

الف. پیشگیری پیش‌دستانه: یافته‌ها نشان داد که بخش قابل توجهی از اقدامات تروریستی پیش از وقوع، توسط یگان‌های اطلاعاتی سپاه شناسایی و خنثی می‌شود. بهره‌گیری از سامانه‌های پیش‌هشدار، کنترل مرزها، رصد ارتباطات مشکوک، و تحلیل تحرکات دشمن از جمله ابزارهای پیشگیری فعال هستند.

ب. مدیریت حین بحران: در شرایط وقوع حملات تروریستی یا شورش‌های سازمان‌یافته، سپاه با به کارگیری یگان‌های واکنش سریع و هماهنگی با نیروهای انتظامی و قضایی، اقدام به مهار فوری بحران می‌کند. یافته‌ها نشان داد که سپاه با داشتن ساختارهای چندسطحی فرماندهی و ارتباطی، قادر است در کمترین زمان بحران را مهار و از گسترش آن جلوگیری کند.

ج. بازسازی پس از بحران: پژوهش نشان داد که سپاه تنها به مقابله فیزیکی با تروریسم اکتفا نکرده و پس از هر حادثه، اقدام به بازسازی اعتماد عمومی، تبیین رسانه‌ای واقعیت‌ها، و ترمیم روحیه مردم می‌نماید. این رویکرد، بعد نرم‌افزاری مدیریت بحران را تقویت کرده و مانع از بازتولید روانی ترور در جامعه می‌شود.

بر اساس نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، بین سطح بازدارندگی سپاه و کاهش وقوع جرایم تروریستی رابطه‌ای قوی و معنادار وجود دارد ($\beta = 0.74$)، $(\text{Sig} < 0.05)$ ، همچنین

مشخص شد که ترکیب سه مؤلفه سخت، نرم و فناورانه، تأثیر مضاعفی بر افزایش ضریب امنیت ملی و پایداری داخلی دارد.

اثرات منطقه‌ای و فراملی بازدارندگی سپاه

یافته‌های کیفی نشان داد که اقدامات سپاه در حوزه بازدارندگی و مقابله با تروریسم، صرفاً محدود به جغرافیای ایران نیست، بلکه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اثرگذار بوده است. حضور مستشاری سپاه در عراق، سوریه و لبنان، منجر به شکست گروه‌های تروریستی همچون داعش و تثبیت جبهه مقاومت در برابر محور غربی - عبری - عربی شده است. این حضور موجب انتقال مرزهای تهدید از داخل کشور به عمق سرزمین‌های دشمن و افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران گردیده است.

در سطح دیپلماسی امنیتی نیز، سپاه توانسته است با نمایش اقتدار دفاعی، درک دشمنان از هزینه اقدام نظامی علیه ایران را تغییر دهد و بازدارندگی سیاسی ایجاد کند. یافته‌ها حاکی از آن است که قدرت موشکی و اطلاعاتی سپاه، به‌عنوان نماد اقتدار ملی، در محاسبات راهبردی دشمنان نقش بازدارنده ایفا می‌کند.

برآیند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات نوین امنیتی و جرایم تروریستی، از الگوی بازدارندگی چندلایه و هوشمند استفاده می‌کند که در سه سطح مکمل - سخت، نرم و فناورانه - عمل می‌نماید.

در سطح سخت، با اتکا به قدرت نظامی و اطلاعاتی، دشمن را از اقدام فیزیکی باز می‌دارد؛ در سطح نرم، با تقویت ایمان، مقاومت و مشارکت مردمی، بستر اجتماعی امنیت را می‌سازد؛ و در سطح فناورانه، با بهره‌گیری از داده‌محوری، هوش مصنوعی و سامانه‌های سایبری، تهدیدات نوین را در مبدأ خنثی می‌کند.

نتایج نهایی حاکی از آن است که سپاه پاسداران توانسته مفهوم بازدارندگی را از سطح نظامی صرف، به سطح گفت‌وگو محور، فناورانه و مردم‌پایه ارتقا دهد. این تحول، نه تنها منجر به کاهش جرایم تروریستی در داخل کشور شده، بلکه جایگاه ایران را به‌عنوان یک قدرت بازدارنده فعال در منطقه تثبیت کرده است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

تحولات محیط امنیتی در دهه های اخیر نشان داده است که مفهوم قدرت و تهدید از چارچوب سنتی نظامی فراتر رفته و به عرصه های جدیدی چون فضای مجازی، رسانه، اقتصاد و ذهن جامعه گسترش یافته است. در چنین شرایطی، امنیت ملی کشورها نه صرفاً با قدرت سخت، بلکه با تلفیق هوشمندانه مؤلفه های نرم و فناورانه حفظ می شود. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان قدرتی منطقه ای و انقلابی، همواره در معرض تهدیدات نوین امنیتی، تروریسم سازمان یافته، عملیات روانی و جنگ های ترکیبی بوده است. پژوهش حاضر نشان داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این میان، با درک عمیق از ماهیت تهدیدات نوین، موفق شده است الگویی بومی و چندلایه از بازدارندگی فعال و هوشمند را طراحی و اجرا کند که به شکل معناداری در کاهش تهدیدات، مدیریت جرایم تروریستی و تقویت ثبات داخلی مؤثر بوده است.

یافته های تحقیق نشان داد که سپاه پاسداران در مسیر بازدارندگی، سه محور اساسی را به طور همزمان دنبال کرده است: بازدارندگی سخت، بازدارندگی نرم و بازدارندگی فناورانه. در سطح بازدارندگی سخت، سپاه با ارتقای توان موشکی، پهبادی، اطلاعاتی و عملیاتی خود، توانسته است دشمن را از اقدام مستقیم نظامی یا خرابکارانه بازدارد. این توان نظامی نه تنها عامل بازدارنده در برابر تهدیدات فرامنطقه ای است، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی و احساس امنیت در داخل کشور نیز شده است.

در سطح بازدارندگی نرم، سپاه با تکیه بر گفتمان مقاومت، ایمان انقلابی و مردمی سازی امنیت، توانسته است قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را به مؤلفه ای بازدارنده تبدیل کند. ایجاد پیوند میان مردم و نهادهای امنیتی، افزایش آگاهی عمومی، و مقابله با جنگ شناختی دشمن، از مهم ترین دستاوردهای این بعد به شمار می رود. نتایج پژوهش نشان داد که گفتمان مقاومت، علاوه بر بازدارندگی فرهنگی، نقش مهمی در خنثی سازی عملیات روانی و رسانه ای دشمنان داشته و از فروپاشی روانی جامعه در شرایط جنگ ادراکی جلوگیری کرده است.

در بعد فناورانه و ترکیبی، سپاه پاسداران با بهره گیری از ظرفیت های نوین فناوری اطلاعات، سامانه های سایبری، هوش مصنوعی و تحلیل داده های کلان، به سطح جدیدی از بازدارندگی

رسیده است. این بعد از بازدارندگی، سپاه را قادر ساخته تا تهدیدات را پیش از وقوع شناسایی و مهار کند. توانایی رصد مداوم فضای مجازی، کشف شبکه‌های تروریستی و مقابله با جنگ سایبری، از عوامل مؤثر در مدیریت جرایم تروریستی در بستر نبردهای معاصر محسوب می‌شود. پژوهش نشان داد که سپاه در حوزه مدیریت جرایم تروریستی، از مدل سه مرحله‌ای پیشگیری، مهار و بازسازی امنیت پیروی می‌کند. در مرحله پیشگیری، تمرکز بر رصد اطلاعاتی، کنترل مرزها و پیش‌هشدار است؛ در مرحله مهار، سپاه از طریق یگان‌های واکنش سریع و همکاری میان‌بخشی با نیروهای انتظامی و اطلاعاتی، عملیات تروریستی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن خنثی می‌کند؛ و در مرحله بازسازی، با حضور فعال در عرصه رسانه و افکار عمومی، ضمن بازگرداندن آرامش اجتماعی، از بازتولید روانی ترور در ذهن جامعه جلوگیری می‌نماید.

تحلیل داده‌های آماری در این پژوهش نشان داد که میان سطح بازدارندگی سپاه و کاهش وقوع جرایم تروریستی رابطه‌ای مستقیم، قوی و معنادار وجود دارد. به‌ویژه ترکیب سه مؤلفه‌ی بازدارندگی سخت، نرم و فناورانه، موجب افزایش ضریب امنیت ملی و تقویت ثبات داخلی کشور شده است. در واقع، بازدارندگی سپاه به‌جای آنکه واکنشی و انفعالی باشد، پیش‌دستانه، هوشمند و منعطف است؛ به گونه‌ای که هم در فضای میدانی و هم در فضای شناختی توان مداخله مؤثر دارد. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با گسترش عمق راهبردی خود در جبهه مقاومت، تهدیدات را از جغرافیای ایران به حوزه‌های بیرونی و منطقه‌ای منتقل کرده است. حضور مستشاری در عراق، سوریه و لبنان، علاوه بر نابودی گروه‌های تروریستی همچون داعش، موجب شد تا مفهوم بازدارندگی از سطح ملی به سطح فراملی ارتقا یابد. این حضور منطقه‌ای، امنیت داخلی ایران را تقویت و معادلات امنیتی منطقه را به نفع جبهه مقاومت تغییر داده است.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانسته است با تلفیق سه گانه‌ی اقتدار نظامی، هوشمندی فناورانه و مشروعیت مردمی، الگویی نوین از بازدارندگی را پایه‌گذاری کند که با شرایط پیچیده نبردهای معاصر سازگار است. این الگو نه تنها موجب کاهش تهدیدات تروریستی و افزایش احساس امنیت در جامعه شده، بلکه توانسته است ایران را به یکی از بازیگران اصلی در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا تبدیل کند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که بازدارندگی سپاه دیگر صرفاً یک مفهوم نظامی نیست، بلکه راهبردی کلان برای امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران است که بر پایه ترکیب قدرت مادی و معنوی شکل گرفته است. این راهبرد از یک سو دشمن را از اقدام مستقیم باز می‌دارد و از سوی دیگر، از طریق گفت‌وگو، مقاومت و حضور اجتماعی، بنیان‌های درونی امنیت را تحکیم می‌بخشد. استمرار این الگو مستلزم تقویت بیشتر بخش‌های فناورانه، ارتقای هماهنگی بین‌سازمانی، و تعمیق پیوند میان مردم و نیروهای مسلح است تا بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات نوین، همواره پویا، هوشمند و پیش‌دستانه باقی بماند.

با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌گردد:

— پیشنهاد می‌شود «مدل بازدارندگی سپاه» به‌عنوان الگوی کلان امنیت ملی در ساختارهای تصمیم‌گیری کشور نهادینه گردد. این الگو باید بر پایه سه رکن قدرت سخت، نرم و فناورانه طراحی و در اسناد بالادستی امنیت ملی (از جمله سند دفاعی کشور) تثبیت شود.

- با توجه به افزایش تهدیدات ترکیبی و جنگ‌های نیابتی، ضروری است سپاه از بازدارندگی صرفاً تدافعی به بازدارندگی پیش‌دستانه و برون‌مرزی حرکت کند؛ یعنی تهدید را در مبدأ شناسایی و خنثی نماید. استمرار حضور هوشمندان در جبهه مقاومت، تقویت سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات منطقه‌ای و توسعه قدرت سایبری می‌تواند ضریب بازدارندگی را افزایش دهد.

— یکی از الزامات بازدارندگی مؤثر، هماهنگی ساختاری میان سپاه، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، قوه قضائیه و نهادهای رسانه‌ای است. پیشنهاد می‌شود «شورای راهبردی بازدارندگی نوین» با عضویت نمایندگان این نهادها تشکیل شود تا سیاست‌گذاری امنیتی کشور در برابر تهدیدات ترکیبی به‌صورت یکپارچه انجام گیرد.

فهرست منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۹۵)، *دانشنامه سیاسی فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی*. تهران: انتشارات مروارید، چاپ پنجم.
- ایان مک‌لین (۱۳۹۱)، *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد (Oxford Concise Dictionary Of Politics)*، حمید احمدی، مترجم. تهران: نشر میزان.

- بیلینس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۹۴). جهانی شدن: روابط بین الملل در عصر نوین، (۱ ج). (ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، مترجمان). تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۶). بررسی ساختار و تشکیلات گروه های تروریستی؛ مطالعه موردی سازمان القاعده، تهران: دفتر گسترش تولید علم.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۸). مقدمه ای بر استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: فرهنگ گفتمان.
- طیب، علیرضا (۱۳۹۷). تروریسم تاریخ جامعه شناسی، گفتمان حقوق، چاپ پنجم، تهران، نشر نی.
- طیب، علیرضا، (۱۳۹۸)، تروریسم، تهران، چاپ چهارم، نشر نی.
- عبدالحی، محسن. کیهانلو فاطمه (۱۳۹۳). با مشاورت دکتر ابراهیم بیک زاده، سرکوب تروریسم در حقوق بین الملل معاصر. معاونت پژوهش و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- عبدالحی، محسن (۱۳۹۵). تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۶). نظریه های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- کریمی پاشاکی، سجاد. احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۹۵). جغرافیای ترور، تهدیدهای تروریستی در جهان معاصر، رشت: انتشارات بازرگان.
- نور خامه ای، علی (۱۳۹۵). شاه کشی در ایران و جهان (جامعه شناسی و تاریخ تروریسم)، تهران: انتشارات چاپخش.
- واعظی، حسن (۱۳۹۵). تروریسم؛ ریشه یابی تروریسم و اهداف آمریکا از لشکرکشی به جهان اسلام، تهران: سروش.
- هاشمی، حسین (۱۳۹۵). تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین المللی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آشوری، حسن (۱۳۹۴). تروریسم و سازمان های بین المللی (پایان نامه کارشناسی ارشد) رشته حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- نافع، سامان (۱۳۹۲). جایگاه مبارزه با تروریسم در سیاست خارجی آمریکا و تحقق نظم نوین جهانی در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر. (پایان نامه کارشناسی ارشد).
- نظری، الهام (۱۳۹۴). نقش نیروهای خارجی در افغانستان در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت با تأکید بر تأمین حق امنیت (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور، مرکز تهران.
- نیک پی، احسان (۱۳۹۰). بررسی بسترها و ریشه های تروریسم در خاورمیانه (مطالعه موردی القاعده و طالبان) (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) - دانشکده علوم اجتماعی.

- اسماعیلی، مهدی (بهار ۱۳۹۶). پیشگیری از تروریسم در ایران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴: ۳۶.
- توحیدی، احمد رضا (۱۳۸۰). حق صلح و حق محیط زیست در پرتو همبستگی و حقوق بین الملل، مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها، دانشگاه مفید قم، اردیبهشت ماه، ص ۶۰.
- حافظی قهستانی، محمدصادق (۱۳۹۵)، راهکارهای سپاه پاسداران در جهت تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران، دومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، ص ۱۵.
- ساعی، احمد و مجید معصومی (۱۳۹۴). تاثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، شماره ۲، ص ۳۷.
- طیبی فرد، امیر حسین (۱۳۹۴). مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی ج.ا.ا، شماره ۵۲: ۳۲.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۴). فهم تروریسم. فصلنامه امنیت، ش ۱۲، ص ۳۴.
- غلامی، محمد؛ شفیعی سروستانی، اسماعیل و سعید محمدی (۱۳۹۶). تروریسم و افراط گرایی در خاورمیانه: ظهور داعش، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، دوره ۸، شماره ۳۳، ص ۵۱.
- فلاحیان، همایون (۱۳۸۵). پیامدهای الحاق جمهوری اسلامی ایران به دیوان بین المللی کیفری از بعد جنایات مندرج در اساسنامه دیوان، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ص ۲۰۳-۲۰۵.
- فیرجی، داود (۱۳۹۵). تروریسم، تعریف، تاریخچه و رهیافت های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، مجله سیاست، علمی - پژوهشی، شماره ۷، ص ۴۲.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۶). ملاحظات در باب تروریسم، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴-۳۳، ص ۲۳.
- نصری مشکینی، قدیر (۱۳۹۲). رهیافت های امنیت پژوهی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۰، ص ۵۴.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۹۵). چنگاکنی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران: نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، ص ۴۲.
- نویدنیا، مهدی (۱۳۹۶). گفتمان پیرامن امنیت جمعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ششم، ص ۳۹.



